

## توطئه امریکا و عراق

### در حمله به ایران (سخنرانی شهید همت)

#### مقدمه

در تاریخ ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹، رژیم بعث عراق به ایران حمله کرد که از حمایت همه جانبه دنیای استکبار برخوردار بود و تصور می‌کرد توازن نظامی به نفع این کشور تغییر کرده است و تمامی عوامل از جمله اوضاع ایران، منطقه و مناسبات بین‌المللی به تحقق اهداف حاکمان بغداد و کمک خواهد کرد. بدین ترتیب، این کشور با بهره‌مندی از استعداد زمینی بالغ بر ۱۲ لشکر، ۱۵ تیپ مستقل، تیپ ۱۰ گارد ریاست جمهوری، و ۲۰ تیپ گارد مرزی، ماشین نظامی و تجهیزاتی مانند ۸۰۰ عراده توپ، ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰۰ عراده توپ ضد هوایی، ۳۶۶ فروند هواپیما و ۴۰۰ فروند هلی‌کوپتر، تهاجم خونین و وحشیانه خود را به مرزهای غربی و جنوبی ایران آغاز کرد.

بادم مسیحایی امام امت جوانانی با کمترین تجهیزات و تنها با تکیه به سلاح ایمان، به دفاع از سرزمین و ناموس و اعتقادات خود برخاستند و ضمن دفع تجاوزگری دشمن زبون برای اعتلا و حفظ اعتبار و اقتدار اسلام و انقلاب اسلامی جهاد را بر خود واجب شمردند.

محمد ابراهیم همت، فرمانده بلند آوازه لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)، در جمع رزمندگان جان بر کف جبهه‌های نور علیه ظلمت به تشریح چگونگی آغاز این جنگ نابرابر و تحلیل اوضاع سیاسی آن مقطع از تاریخ انقلاب اسلامی می‌پردازد.

#### پادگان دو کوهه ۱۶ فروردین ماه سال ۱۳۶۲:

شهید همت: پس از اینکه انقلاب با عظمت ما، رخ داد، امریکادر حرکتی انفعالی ناچار شد، نسبت بدان واکنش نشان بدهد. گاهی، جایی ایستاده‌اید، ناگهان مشتی به شما زده می‌شود، به طور طبیعی، به یکباره، شما هول می‌شوید و تمامی آید خودتان را پیدا کنید و پاسخ بدهید، مدتی می‌گذرد، زمانی که پاسخ دادید پاسختان انفعالی است و این حرکت واکنشی است در مقابل کنشی که روی شما انجام شده است. این انقلاب برعکس همه انقلابهای تاریخ، نخستین انقلابی بود که امپریالیسم امریکا را به حرکتی انفعالی مجبور کرد و این کشور مجبور شد در مقابل عمل انجام شده و پیروز شده انقلاب اسلامی از خود واکنش نشان بدهد؛ بنابراین، از روز نخست، واکنشش، یعنی همان مشتی که می‌خواست بزند، این بود که انقلاب را کُند کند و پس از کُند کردنش، آن را به سقوط بکشانند.

آنها برای کُند کردن انقلاب، به سازش کشیدن و جلوگیری از صدور آن، دولت موقت راروی کار آوردند.

[با تسخیر لانه جاسوسی امریکادر تاریخ ۱۳ آبان ماه سال ۱۳۵۸ به دست چهارصد تن از دانشجویان پیرو خط امام و در اعتراض به حضور شاه در امریکا، ماهیت خود باختگی و بسیاری از لیبرالهای دولت موقت افشا شد.]  
شهید همت: حرکت بعدی به انحراف کشیدن انقلاب

شهید حاج همت:

برای حمله عراق به ایران مقدمات آماده بود، قرار بود درست مانند طرح اسرائیل برای حمله به مصر، ۲۴ ساعت قبل از حمله، هواپیماها بلند شوند، بیایند تمامی فرودگاهها را بزنند؛ و همان زمان یک دستهایی هم در کار بود که همکاری بکنند با این خط که همکاری هم کردند و قرار بود بلافاصله از زمین و هوا و دریا اینها بریزند و بیایند و آمدند

بود که قرار بود با آمدن بنی صدر عملی شود. آینده، این موضوع را کاملاً روشن می کند و ما فعلاً، راجع به آن صحبت نمی کنیم.

... برای حمله عراق به ایران مقدمات آماده بود، قرار بود درست مانند طرح اسرائیل برای حمله به مصر، ۲۴ ساعت قبل از حمله، هواپیماها بلند شوند، بیایند تمامی فرودگاهها را بزنند؛ زیرا، به خاطر دارید که به فرودگاه مهرآباد و دیگر جاهایی مانند پایگاه ۴۷ حمله کردند و همان زمان یک دستهایی هم در کار بود که همکاری بکنند با این خط که همکاری هم کردند و قرار بود بلافاصله از زمین و هوا و دریا اینها بریزند و بیایند و آمدند. برادران عزیز، ۱۳ لشکر از عراق به حرکت افتاد: ۵ لشکر پیاده نظام، ۵ لشکر زرهی، یک لشکر مکانیزه و یک لشکر احتیاط. حدود ۸ لشکر به سمت جنوب حرکت کرد؛ لشکرهای صد در صد آماده آفند و با حداکثر استعداد. گردان، ۴۰ تانک، تیپ، ۱۲۰ تانک، لشکر، ۳۶۰ الی ۴۰۰ تانک آمدند.... هیچ کس مقابلشان نبود. هنوز برادران حفاظت به یاد دارند که در آن زمان، شهید رجایی نخست وزیر بودند و تلفن دفترشان مدام زنگ می خورد؛ الو! خرمشهر سقوط کرد، الو! نفت شهر سقوط کرد، الو! چچی سقوط کرد، الو! چچی سقوط کرد و در مخیله و ذهن انسان نمی گنجید که اینها چه می خواهند بکنند و خدا گواه است که تاریخ آینده هم دیر خواهد فهمید و به این فکر خواهند افتاد که می خواهیم

به آنها (آیندگان) تحمیل کنیم....

برادران عزیز، الان، یک قسمت خیلی جزئیات روشن شده است. یک افسر از لشکر ششم که مأموریتش جسر نادری بود، به پل کرخه (افسر شناسایی لشکر هم بوده) می رسد با یک جیب از پل کرخه - عبور می کند و به سمت اندیمشک می رود، در حالی که هیچ کس جلویش نبوده است. این قدر با جیب پیش می آید که پادگان نیروی هوایی دزفول را با چشمش می بیند. بعد، در بیت المقدس اسنادی به دست می آید. این افسر عراقی به رده بالاترش گزارش می کند که من از پل کرخه گذشتم و این قدر پیش رفتم که پادگان نیروی هوایی را به چشم خودم دیدم. بعد تحلیل می کند و می گوید که به نظر من، این تله است.

[نامه سری و فوری

از: تیپ ۲۴

به: فرماندهی لشکر ۳ زرهی

بنابه فرموده آن فرماندهی محترم و با توجه به دستورات صادر شده از سپاه سوم، که از طریق فرماندهان مستقر در دشت عباس به این تیپ ابلاغ شده بود و ضمن تبعیت از اوامر فرمانده کل نیروهای مسلح باید به اطلاع برسانیم که این تیپ طبق نقشه های از پیش تعیین شده خود، از مرز گذشته و در مکانهای مشخص شده استقرار یافته است و سر بازان تحت امر این تیپ سایت های رادار ۳ و ۴ را به تصرف خود در آورده اند. پس از استقرار نیروها، اینجانب به همراه تعدادی از نیروها به قصد



دور می زند و محاصره می کند، اما کارش را پایان نمی دهد. عراقیها تا پل نو می آیند و از آن رد می شوند و به خونین شهر می آیند. عراقیها ۲۱ میلیارد دلار از راه ارتباط گمرک می ربایند. سپس در خرمشهر و در غرب و سوسنگرد، جنایتهایی را - که بیشتر از همه در زمینه فحشا و مسائل ناموسی انجام می دهند که همه شما از آنها آگاه هستید....

[آنان را که از مرگ می ترسند، از کربلا می رانند. مردان مرد جنگ آوران عرصه جهادند که راه حقیقت وجود انسان را از میان قافیه آتش جسته اند، آنان ترس را مغلوب کرده اند تا فتوت آشکار شود و راه فنا را به آنان بیاموزد و اما مآنان حقیقت آنان اند که ره به سرچشمه فنا جستند و پیکار آن همه دشوار شد که ماندن در خرمشهر معنای شهادت گرفت. هنگام آن بود که شبی عاشورایی بر پا شود تا کربلا بیان پا در آزمون دشوار گذارند. این ویرانه ها، که به ظاهر زبان بر کشیدند و تن به اتحاد تدریجی سپردند که در زیر تازیانه باد و باران روی می دهد و شاهدند که عشق چگونه از ترس فراتر نشسته است. کربلا مقرر عشاق است و شهید سید محمد علی جهان آرا چنین کرد تا جز شایستگان کسی در آن کربلا استقرار نیابد.

از آنجا که دانشجویان پیرو خط امام (ره) نسبت به درخواستهای بنی صدر در مورد آزادی گروگانها هیچ گونه وقعی ننهادند و راضی به مامشات نشدند، مورد غضب وی قرار گرفتند. بنی صدر مدتی پس از آزادی گروگانها در منطقه

اطلاع از آخرین وضعیت قوای دشمن در آن سوی کرخه راهی منطقه شدیم. ما از روی پل نادری گذشتیم، پاسگاهها و دژبانیهای قوای دشمن از هر نیرویی خالی بود، هیچ گونه مقاومتی در برابر ما صورت نگرفت، ما در راه رسیدن به اندیمشک تا جایی پیش رفتیم که به راحتی پادگان نیروی هوایی ایرانیان قابل رؤیت بود. از آنجا که این عدم مقاومت و سرعت پیشروی ما مشکوک به نظر می رسید، به نیروهای تحت امر دستور دادم در کرانه غربی کرخه مستقر شوند و مواضع خود را تثبیت کنند. به هر حال، نیروهای تحت امر این تیپ همچنان، منتظر اوامر آن مقام هستند.

(فرماندهی تیپ ۲۴)

**شهید همت:** ۰۰۰۰ عراق و حشتناک آمده بود. خدا شاهد است خبرنگاری به این صدام بی وجدان که در خرمشهر در حین سوار شدن به هلی کوپتر بوده، گفته است که یک سؤال دیگر هم دارم و او گفته است مصاحبه بعدی در اهواز. بعد هم سوار هلی کوپتر شده و رفته است. در گیلانغرب (چون عملیات مسلم بن عقیل آنجا بودیم آن نفر را من پیدا کردم) راننده تانک عراقی گفت: صدام از خود من پرسید که از فلکه تانکی تا تهران چند کیلومتر است؟ در اهواز، (پادگان) حمید سقوط می کند. بسیار از قطعات فانتومها در پادگان حمید بودند، اما خیانت طوری هماهنگ شده بودند که یکی از قطعات فانتومها را برداشتند. دشمن به نورد اهواز می رسد ۱۵ تا ۱۸ کیلومتر تا اهواز فاصله داشته است، به راحتی، آبادان را

شهید حاج همت:

«عراق وحشتناک آمده بود. خدا شاهد است خبرنگاری به این صدام بی وجدان که در خرمشهر در حین سوار شدن به هلی کوپتر بوده، گفته است که یک سؤال دیگر هم دارم و او گفته است مصاحبه بعدی در اهواز، بعد هم سوار هلی کوپتر شده و رفته است؛ در گیلانغرب راننده تانک عراقی گفت: صدام از خود من پرسید که از فلکه تانکی تا تهران چند کیلومتر است؟»

عملیاتهای بعدی گسترش پیدا کرد. ابتدا خود بچه های عملیات نمی پذیرفتند آنها گردان بشوند، اما در نهایت در شکست حصر آبادان شدند دو هزار نفر و در جریان عملیات فتح المبین شصت هزار و جریان بیت المقدس نود هزار شدند....

[امام خمینی (ره): «و من منتظرم که این حصر آبادان از بین برود، هشدار می دهم به پاسداران و قوای انتظامی و فرماندهان قوای انتظامی که باید این حصر شکسته بشود. مسامحه نشود در آن. حتماً باید شکسته شود و فکر این نباشند که ما اگر اینها آمدند بیرونشان می کنیم اگر اینها بیایند خسارت به ما وارد می کنند. نگذارند اینها بیایند به آبادان وارد شوند. از خرمشهر اینها را بیرون کنند حال تهاجمی بگیرند.»]

شهید همت: ...ایران را داخل یک قفس محبوس و دور تادور آن را محاصره کردند؛ محاصره اقتصادی، نظامی و سیاسی، از دریا، زمین و هوا دریا را ببینید ناوگان امریکا به خلیج فارس می آید و محاصره دریایی می کند. ترکیه در مرزها می آید محاصره زمینی انجام می دهد. همه ایران را داخل یک قفس گذاشتند که حلقه محاصره را تنگ تر و این انقلاب را ساقط کنند و ماهیچ چاره ای نداریم، مگر اینکه یکطرف این دیوارها را به هر حال بشکنیم و اگر شکستیم مردم ما از قفس بیرون می روند و می توانند پرواز کنند و اگر نرفتیم ما را می پوسانند ما را این وسط انداخته اند و مثل خوره می خورند. و از این قفس هر کجا را نگاه می کنی، ترکیه، افغانستان و پاکستان را می بینی دیوارهای آن مناسب نیست؛ بنابراین، آنها را بالاتر

هویزه، طی برنامه حساب شده ای از این دانشجویان انتقام گرفت و آنان را بدون پشتیبانی به خط مقدم فرستاد و سپس، ارتش را بدون اطلاع آنها به عقب کشید. در نتیجه این خیانت آشکار، نزدیک به پنجاه تن از دانشجویان پیرو خط امام (ره) به فرماندهی حسین علم الهدی که خود نیز از قهرمانان افشای اسرار لانه جاسوسی امریکا بود، به شهادت رسیدند.]

**شهید محمد ابراهیم همت در بخشی از خاطرات خود، به بخش دیگری از خیانتهای این عوامل ستون پنجم دشمن اشاره می کند و می گوید: «..... ما پیش بنی صدر رفتیم و عنوان کردیم که از طریق نسوب می توانیم خیلی خوب روی مواضع عراق کار کنیم. عراق نزدیکی نسوب شهرهایی دارد. تنها مشکل ما کمبود نیروست، اما او می گفت: من حتی یک نیرو هم به منطقه شما نمی دهم، هر چی به او اصرار کردیم کمترین کمکی به ما نکرد.»**

..... با همه کوبندگی دو مرتبه خدارحم کرد، خطوط بنی صدر روشن شد و برای ملت جا افتاد. به محض هوشیاری امام و ملت، جریان بنی صدر شکست خورد و کنار رفت و این تغییر، به اجرای جریان عملیات های ثامن الائمه و طریق القدس انجامید. برای نخستین بار، هزار نیروی بسیجی، بسیج شد و در آن عملیات، شرکت کرد و موفق شد. بعد در عملیات شکست حصر آبادان دو هزار شدند، بعد در عملیات فتح المبین و در

شهید حاج همت:

..... ما پیش بنی صدر رفتیم و عنوان کردیم که از طریق نسوب

می توانیم خیلی خوب روی مواضع عراق کار کنیم،

عراق نزدیکی نسوب شهرهایی دارد؛

تنها مشکل ما کمبود نیروست، اما او می گفت:

من حتی یک نیرو هم به منطقه شما نمی دهم،

هر چی به او اصرار کردیم

کمترین کمکی به ما نکرد

فروپاشی شوروی و حضور سیاسی و نظامی امریکا در قفقاز و آسیای میانه و بعد لشکرکشی شیطان بزرگ و متحدان غربی آن به منطقه خلیج فارس آن هم به بهانه در هم شکستن ماشین نظامی رژیم که خود آن را تجهیز و مهیا کرده بود و چندی بعد نیز قصد افغانستان و اشغال عراق، طراحان سیاستهای کاخ سفید خوابهای دیگری برای ایران و ایرانی دیدند، غافل از اینکه این خواب تعبیر آشفته‌ای برای صاحبان آن دارد که همان در هم شکستن حصارهای محاصره و عقب راندن سپاه سفیانی و دجال تا آن سوی سرزمینها و آبهای قبله‌گاه نخست مسلمان است که این وعده الهی آغازی است به نبرد بی پایان ما.]

می برند به این جرم که به ولایت، امامت، خط ولایت و امامت معتقدند و این امت خط سومی را نمی شناسند....  
.... بنابراین، این احساس به همه شما دست می دهد که امروز وظیفه، مسئولیت، و احساس تکلیف در مورد یک ایران اسلامی محاصره شده بر گردن ماست؛ ایرانی که همه کشورهای استعماری این محاصره را برایش ترتیب داده‌اند و خط فکری، سیاسی، عقیدتی، نظامی و جغرافیایی و همه چیز این کشورها از خطوط فکری امپریالیستی شرق و غرب در رأس آنها امریکا نشأت می گیرد.

.... طرح ولایت طرحی کلی است که فرمانده کل قوا آن را تنظیم می کند، طرح ولایت چیست؟ در رادیو اقرار نکردید و در روزنامه‌ها نیز ننوشتید. در طرح ولایت، شکی دارید؟ از اول گفتی فُبح، فُبح، فُبح. و امام گله را آنجا می کند. ما که ناشی هستیم، نمی فهمیم، کشش و بینش نداریم، مغزمان مادی و ضعیف است، دنیاپسند هستیم، خط اصلی را امام داده و طرف هدف واسطه راهم تعیین کرده‌اند؛ کربلا، یعنی ما آماده عملیات می شویم. امام می گویند نه این عملیات خوب نیست این بسیجی به جبهه می رود، به قدس و کربلا می رود، حالا چه از راه بصره چه از راه اماره.  
[در آن مقطع از تاریخ، چه کسی می توانست حدس بزند که حلقه این محاصره ابعاد دیگری نیز داشته است و دشمن تنها به تحریک حکومت‌های دست نشانده بسنده نمی کند. با